

## اثر تاریخی - اکتشافات مهم

چندیست که تاریخ بواسطه تتبع و اکتشافات علما بوسیله آثار و کتیبه های قدیمه يك وجهه مخصوصی بخود گرفته است . تا پنجاه سال قبل منابع تاریخی ایران منحصر بیک عده کتب و افسانهای ملی بود ولی از آن بعد منابع دیگری که بصحت نزدیکتر و تقریباً غیر قابل انکار شمرده میشود بدست ما افتاد .

آن منابع کتیبه های سنگی سلاطین است که در قدیم الایام در گذارشات و اوضاع خود نوشته اند و اینک ما بخط و زبان آنان پی برده و از راه خواندن آنها بکشف يك سلسله مهم از تاریخ بشری موفق شده ایم ولی خیلی مایه افسوس و تحسر است که مائر تاریخی ما بیشتر بواسطه انقلابات روزگار گناه میدان از قضا و سلاطین جزئی آثار فهم تمام مطالب و تحصیل اطلاعات کامل از خاتم ایران باستان برای مامیسر نیست از طرفی هم نمیتوان مایوس بود چه ممکن است در آینه بقسمت مهمی از کتیبه ها و آثار از میان رفته برخوردار کنیم که اطلاعات ناقصه ما بوسیله خواندن و دیدن آنها تکمیل شده و تاریخ ما از این اندماج و تاریکی بیرون آید

آنچه فعلا در دسترس است کتیبه های از هخامنشی و خطوطی از ساسانیان است که قسمت اول تقریباً بتمامه خوانده شده ولی قسمت نانی بواسطه اشکالاتی هنوز بطور کمال خوانده نشده است .

در این بین از پارتها یا اشکانیان نمونه و اثری که قابل استفاده باشد بطور اطلاق در دست نیست و فقط آنچه را مربوط بآن دوره میدانیم چند سکه و سه نسخه نوشتگانی است بر روی پوست آهو که در ۱۹۰۹ در اورامان کردستان پیدا شده و دوتای آنها بخط یونانی و سومی بزبان پهلوی و خط آرامی است - تاریخ آنها سنه سیصد اشکانی است که مطابق است با ۵۳ میلادی از این خطوط  $\llcorner$  که بگذریم از حجاریهای آندوره خرابه معبد کنکور است که بکلی بایر و غیر قابل استفاده میباشد

حجاری هایی هم بر سنگ سا اولک در کوههای بختیاری است که در ۱۸۴۱ با رولون دو بید Baron de Bed یافته و بعضی مربوط بدوره اشکانیان میدانند

با اینحال لازم است در زوایا و گوشه‌های مملکت بگردیم شاید به - اثری از دوره های قدیم ~~که کفیلوم معلوم باشد~~ بر خورد نمایم - مخصوصا در قسمت سیستان و قائنات که افسانه‌های ملی داستانهای در خصوص دلاوران و گوان اندو خاک متذکر است و حتماً بی موضوع نیست

در ضمن يك مسافرت بآنحدود که برای تهیه یاد داشتهای تاریخی و اطلاعات جغرافیائی نموده بودم در بلوک خوسف از محال بیر چند وجائی در کوه ریج ( ریج نام دهی کوچک است در پای کوه ) که بکال جنگال یا ( جنک گاه ) موسوم است بکشف يك اثر تاریخی موفق شدم که تا بحال مجهول مانده و بعقیده نگارنده خالی از اهمیت نیست .

اثر مزبور که باید آنرا نقش جنگال نامید عبارت است از نقش

و کتیبه ها نیکه بر روی سنگ در بالای کوه حجاری شده و بتفصیل ذیل است :

مردی متوسط القامه دیده میشود که لباسهای او شبیه بلباس سپاهیان قدیم و دارای موهای بلند و قیافه روشنی است . این شخص يك دست بکمر زده و در دست دیگر اسلحه کوچکی شبیه بکار دارد . از جلو شیری بدو حمله ور شده و او با متانت و آرامشی مہیای دفاع است .

در بالای نقش دو سطر اریب که بسمت دم شیر مایل است -

نویساننده اند و با خطیست شبیه بارامی

اگرچه نقش و کتیبه مزبور برجسته نیست ولی در نهایت قشنگی

و کمال ظرافت حجاری شده و چون وسائل عکاسی همراه نبود

شبه آنرا برداشته و در شماره آتیه بانظریات خود درخصوص کتیبه

و خط از نظر قارئین و کادانایان میگذرانم تا آنها نیز در تشخیص موضوع

با اطلاعات ناقص من <sup>همراهی</sup> <sup>عالموده</sup> شاید نتیجه صحیحی بدست آید

اینک لازم است برای مزید اطلاع بموضوعهای قابل توجه ذیل

متذکر شویم .

۱ - در قسمت جنوبی شهر بیرجند کوهی است موسوم بکوه باقران که از مشرق

بمورد (دهی در ششفر سنگی) و از مغرب تا حوالی خوسف (قریه ایست در

هفت فرسخی) امتداد یافته و کشش آن در حدود یازده فرسنگ است در

منتهی الیه غربی کوه باقران قله شامخی است موسوم بکوه ریج که در

جزر بلوک خوسف شمرده شده و دارای دره ای باریک و عمیق است

که در نزد اهالی بکال جنگال موسوم و محل بیدلاقی خوسف محسوب است .  
۲ - کوه باقران در اغلب مرتفعات و قلل خود دارای قلاع و  
ساختمانهاست که باختلاف از آثار قبل و بعد از اسلامند .  
در اغلب اطراف و یالهای کوه مزبور دهات و قرانی هستند که  
بسیار قدیمی و دارای آثار و خرابهای قبل از اسلامند - اسامی بعضی  
از آنها بقرار ذیل است : مود - خونیک - گیو - گو بکو - همانند -  
با میران - فنود - کاهو - چنشت - گن فریز - گیوک - شاه زیله -  
فریز مرغ ، ده شیب - هر یوند - شواکند - خاداز - چه کن -  
خوسف و غیره .

این دهات اغلب در قدیم وسعت و اعتباری داشته اند مخصوصا  
خوسف و شاه زیله که در نیم فرسنگی هم واقع و هنگام کاوش زمین  
آثار پایها و عماراتی از زیر خاک پیدا میشوند که حاکی از آبادی و عمران  
آنها از يك دوره خیلی قدیم است .  
۳ - اصطلاحات و لغات فارسی و پهلوی و سکانی را در آن حدود  
بطور وفور میتوان یافت و اگر در جمع آوری آنها اقدامی بعمل آید  
قطع نظر از اینکه ما را در مفاهیم معموله از استعمال لغات خارجی بی  
نیاز میگرداند کمک مهمی نیز بفهم زبانهای قدیمه ایران خواهد نمود  
در اینجا برای نمونه بذکر عده از لغات میپردازیم ( مجموع لغاتی  
که جمع آوری نموده ام بیش از دو هزار است )

## اسامی

کن - قلعه . گد کی - ابخوری . بك - وزق . کلپوك -

سوسمار . با دار . ارباب . کلخنه . لاابالی . تکلیج . صافی . کهر .  
 ساده لوح ، کلهوت . مبهوت . سیسلنک . دم جمبانک . پالزدیک . پرستو  
 کبه . قالیچه . کند . فرور فتکی زمین . کم ، برآمدگی . هاو . کوسپند  
 ( آهو نیز آها و بوده و در فارسی خیلی لغات دیده میشود که به  
 شروع شده و بی آئیز هست منتهی در اغلب آن مفید معنای ضد است  
 مثل کند . آکند . تش . اتش . غال . اغال و غیره )  
 پلخمه . چاق و تنبل . لی لی . کوچک . پوت و پیت . دروغ  
 بلمه . خام . هاشی . شتر . خنجال . خرچنک . تلمبک . عنکبوت  
 زرب . زبر . پفتل . خار و خس . شفتل . شلوول و غیره

ترکیب‌ات

ت ای سه - تا این وقت . تن کهره - تا انوقت . اون دم  
 انجا ، ور همه نا - بیجهت .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 افعال و مصادر

پخیدن (بکسر) ، حمله کردن ، چخیدن - دفاع کردن ، هنادن - نهادن  
 آدن - بودن . کرغودادن - بلعیدن . یچیدن . حال بهم خوردن  
 پخیدن ( بضم ) - ( تکبیر نمودن )

حروف

م - من . ای و ا - این . ت و ت - تا . ور . بر . و . با ، و - در و غیره  
 با تفصیل فوق نگارنده حدود قائنات را یکی از منابع اکتشافات تاریخی  
 در آئیه دانسته و توجه اولیاء امور را بآن معطوف باید ساخت .